از هراره تا تهران -۴۵

واکنش آیت‌الله خامنه‌ای به خبرنگاری که از فیدل کاسترو مصاحبه گرفته بود

جمعه، ۱۴ شهریور ۱۳۶۵

صبح روز جمعه، آقای خامنه‌ای به سالن اجلاس می‌آیند. قبل از ایشان، فیدل کاسترو با انبوه محافظان و همراهان وارد سالن شده است. آقای خامنه‌ای وقتی وارد سالن می‌شوند، عبدالرشیدی خبرنگار صداوسیما را می‌بینند که روی سکویی ایستاده و با صدای بلند فریاد می‌زند: فیدل! فیدل!

عبدالرشیدی خودش ماجرای فریاد زدنش را این‌طور تعریف می‌کند:

در اجلاس قبلی عدم‌تعهد در دهلی، سعی کردم از کاسترو مصاحبه بگیرم، اما نشد. در این سه سال، هم مکاتبه کردم، هم با خبرنگاران کوبایی صحبت کردم و هر راهی بود امتحان کردم؛ اما جواب نمی‌داد. می‌گفتند بیا هاوانا! از طرفی هم خیلی برای ما مهم بود که از کاسترو مصاحبه بگیریم. او یک چهرهٔ بین‌المللی ضدآمریکایی و از رهبران جهان سوم بود و صرف اینکه مصاحبه‌اش از تلویزیون ایران پخش شود، اهمیت داشت. آن‌موقع خیلی‌ها صراحتاً به ما می‌گفتند که نمی‌توانیم با شما مصاحبه کنیم، چون اگر تصویرمان از تلویزیون شما پخش شود، برای ما بد می‌شود و باید جواب صدام را هم بدهیم.

کاسترو وقتی وارد اجلاس می‌شد، حدود سی نفر از محافظان خودش، دورش را گرفته بودند، تازه به‌عنوان لایهٔ اول! دولت زیمبابوه هم چهل نفر محافظِ خوش‌هیکلِ خودش را با لباس نظامی گذاشته بود که لایهٔ دوم محافظان بودند! اصلاً نمی‌شد به کاسترو نزدیک شد. یکی، دوبار سعی کردم نزدیک شوم، اما همان لایه‌دومی‌ها با دست‌های سنگین و بلند، پرتم کردند عقب. دیدم این‌طور نمی‌شود. گفتم باید خودم را به آب و آتش بزنم. از صبح رفتم در سالن منتظر ایستادم. روز قبل، مسیر آمدن کاسترو را بررسی کرده بودم. در مسیر بین در و سالن اصلی، کنار لابی استراحت مقامات و ملاقات‌ها، منتظر ایستادم تا کاسترو بیاید. به بچه‌های تصویربردار و خبرنگارهای دیگر هم گفته بودم بیایند، اما هیچ‌کس چیزی از برنامه‌ام نمی‌دانست.

کاسترو با هفتاد نفر محافظ و چندین نفر همراه وارد شد. به نیمهٔ مسیر نرسیده بود که رفتم بالای یک سکو و داد زدم: فیدل! فیدل!

اول از اوضاع آمریکای لاتین و دشمنی‌های آمریکا پرسیدم. خانم مترجم، بسیار حرفه‌ای و مسلط ترجمه کرد. کاسترو از دخالت‌های آمریکا در منطقه و اوضاع کشورهای انقلابی آنجا گفت. بعد رفتم سراغ ایران و مسئلهٔ جنگ. کاسترو، خیلی با حرارت و با همدردی و حالت دوستی، از انقلاب ایران تعریف و تمجید کرد و گفت ما همیشه دوست و همراه ایرانی‌ها هستیم.

یک‌دفعه، کل سالن ساکت شد و همه به من نگاه کردند. کاسترو لحظه‌ای مکث کرد و بعد بدون توجه به من، مسیرش را ادامه داد. احتمالاً فکر کردند من از مخالفان کوبایی هستم و می‌خواهم علیه او شعار یا فحش بدهم. شروع کردم با صدای بلند و احساسی صحبت کردن: «فیدل! تو به‌عنوان یکی از رهبران جهان سوم، اگر با یک خبرنگار ایرانی مصاحبه نکنی، با چه کسی می‌خواهی حرف بزنی؟! اگر یک خبرنگار ایرانی، اینجا نتواند از تو مصاحبه بگیرد، کجا می‌تواند؟ مگر تو نمی‌گویی که آمریکایی‌ها تهدیدت می‌کنند؛ خب اگر این تهدیدها را، اینجا به ما نگویی، به چه کسی می‌خواهی بگویی؟»

همین که کاسترو رفت، دیدم آقای خامنه‌ای دارند از فاصله ده‌متری من را نگاه می‌کنند. تا ایشان را دیدم، یکهو بند دلم پاره شد و سرِ جایم میخ‌کوب شدم. به خودم گفتم: وای! الان گِله می‌کنند که این چه حرکتی بود کردی؟!

صبح روز جمعه، آقای خامنه‌ای به سالن اجلاس می‌آیند. قبل از ایشان، فیدل کاسترو با انبوه محافظان و همراهان وارد سالن شده است. آقای خامنه‌ای وقتی وارد سالن می‌شوند، عبدالرشیدی خبرنگار صداوسیما را می‌بینند که روی سکویی ایستاده و با صدای بلند فریاد می‌زند: فیدل! فیدل!

گفتم: این‌طور که نمی‌شود، رفقایم هم باید بیایند.

گفت: بگو بیایند. با دست به بچه‌ها اشاره کردم، همه آمدند جلو. اتفاقاً صدابردارمان آقای بهروز قاسمی بود که بعد از اجلاس در جبهه مفقودالاثر شد. ما فکر کردیم شهید شده و برایش ختم گرفتیم، اما دیدیم بعد از جنگ، جزو اسرا برگشت.

دوربین شروع کرد به فیلم‌برداری و مصاحبه شروع شد. کاسترو دست من را در دستش گرفت و تا آخر مصاحبه دستم را رها نکرد.

اول از اوضاع آمریکای لاتین و دشمنی‌های آمریکا پرسیدم. خانم مترجم، بسیار حرفه‌ای و مسلط ترجمه کرد. کاسترو از دخالت‌های آمریکا در منطقه و اوضاع کشورهای انقلابی آنجا گفت. بعد رفتم سراغ ایران و مسئلهٔ جنگ. کاسترو، گرچه صراحتاً عراق را محکوم نکرد، اما خیلی با حرارت و با همدردی و حالت دوستی، از انقلاب ایران تعریف و تمجید کرد و گفت ما همیشه دوست و همراه ایرانی‌ها هستیم. بعد گفت: دیگر سؤالی نداری؟

گفتم: نه. حالا این محافظ‌ها مرتب به من ضربه و مشت می‌زدند که مطمئن شوند سلاح و بمبی نداشته باشم. من هم نمی‌توانستم تکان بخورم. دستم در دست کاسترو بود و صورت‌هایمان یک وجب با هم فاصله داشت. کمر و پهلوهایم له شده بود از ضربه‌های اینها. بالاخره مصاحبه را تمام کردیم. خودم راضی بودم.

همین که کاسترو رفت، دیدم آقای خامنه‌ای دارند از فاصله ده‌متری من را نگاه می‌کنند. تا ایشان را دیدم، یکهو بند دلم پاره شد و سرِ جایم میخ‌کوب شدم. به خودم گفتم: وای! الان گِله می‌کنند که این چه حرکتی بود کردی؟! اما دیگه کار از کار گذشته بود. با خودم گفتم اگر گله کردند، می‌گویم بالاخره برای مملکت این کار را کردم. با تپش قلب، راه افتادم سمتشان. ایشان هم با چند نفر همراه حرکت کردند. نزدیک که شدیم، دیدم چهره‌شان، ناراحت نیست. دلم آرام گرفت. سلام کردم، جواب دادند. با لطف زیادی گفتند: کارت را از اول دیدم، خوشم آمد. کارت خوب بود. بعد رو کردند به آقای ولایتی: «ما چند تا خبرنگار این‌طوری لازم داریم.» خیلی از برخوردشان خوشحال شدم، اصلاً لذت مصاحبه با کاسترو از یادم رفت. کتاب من در مورد جنبش عدم‌تعهد هم دستشان بود. اشاره کردند به کتاب: «ضمناً این کتاب را هم دارم می‌خوانم؛ کتاب خوبی است.» تشکر کردم، ایشان رفتند. ما هم رفتیم برای ترجمهٔ مصاحبه و آماده کردنش برای ارسال به ایران. حالا کسی را پیدا نمی‌کردیم که اول صبحی بیاید برایمان ترجمه کند. بالاخره با اصرار، یکی از خبرنگارهای کوبایی راضی شد. آمد مصاحبه را دید. گفت همین ترجمهٔ این خانم کامل و صحیح است.

آن شب مصاحبهٔ کاسترو، برای اولین بار در تلویزیون ایران پخش شد و اثر خودش را گذاشت.

* * *

برای جمعه، به‌جز شرکت در برخی جلسات جنبش، سه قرار دیدار هم گذاشته شده است؛ هر سه بعدازظهر و هر سه در محل اجلاس.

نفر اول آقای «پیرزاده» دبیر کلِ پاکستانیِ سازمان کنفرانس اسلامی است. او که بارها برای میانجیگری در جنگ به ایران آمده بود، با ادبیات مقامات ایرانی آشناست. در این دیدار، آقای خامنه‌ای از آرزوهای خود در مورد سازمان کنفرانس اسلامی می‌گویند؛ چیزی که بسیار فاصله دارد با سازمان موجود. بعد هم به سراغ جنگ می‌روند و اهمیت آن؛ و دلایل ایران برای تنبیه متجاوز را، مجدداً برای او بازگو می‌کنند. می‌دانند که او احتمالاً دیداری هم با مقامات عراقی خواهد داشت، پس می‌بایست حرف‌های این‌طرف را خوب بفهمد تا خوب منتقل کند. می‌گویند: «صلح یک ارزش است، ولی ارزش بالاتر از آن «عدالت» است. لذا برای تأمین عدالت، تنبیه متجاوز و شروع‌کنندهٔ جنگ ضروری است و این تنبیه را مردم ما با نیروی ایمان خود عملی خواهند کرد و این رژیم متجاوز برکنار خواهد شد.» و پیرزاده که پاسخی برای حرف‌های حقِ رئیس‌جمهور ایران ندارد، بیشتر مستمع است تا متکلم! فقط در آخر، گزارشی از وضعیت سازمان کنفرانس اسلامی می‌دهد و می‌رود.

نزدیک که شدیم، دیدم چهره‌شان، ناراحت نیست. دلم آرام گرفت. سلام کردم، جواب دادند. با لطف زیادی گفتند: کارت را از اول دیدم، خوشم آمد. کارت خوب بود. بعد رو کردند به آقای ولایتی: «ما چند تا خبرنگار این‌طوری لازم داریم.» خیلی از برخوردشان خوشحال شدم، اصلاً لذت مصاحبه با کاسترو از یادم رفت.

تروریسم صهیونیستی-۴

جنبش «گوش آمونیم» ذخیره انسانی فاشیسم جدید در اسرائیل

اطلاعات پلیس و نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی نمایانگر آن است که هواخواهان کاخ، به دوری از کار علنی و قید و بندهای قانون، گرایش نشان می‌دهند.

کاهانا در گفت‌وگویی، درباره حکم قانون می‌گوید:

«آن کس که نفهمد که جنبش کاخ تابع قانون است، چیزی را درک نخواهد کرد. یک قانون بر این جنبش حاکم است، و آن قانون تورات است. ما هنگامی که تناقضی میان قانون کنیست و قانون تورات ببینیم، قانون تورات را اجرا می‌کنیم.»

عوامل جنبش کاخ از هر گونه عمل تخریبی علیه عرب‌ها ابراز خشنودی می‌کنند. رهبران و اعضای این جنبش، از اعمال تروریستی و هراس‌افکنانه‌ای که بر ضد شهروندان عرب صورت می‌گیرد، ستایش می‌کنند. اعمالی نظیر: ترور فعالان انتفاضه؛ حمله به شهرداران کرانه باختری؛ و تیراندازی به مردم، و حتی نمازگزاران در مساجد.

جنبش گوش‌آمونیم

این سازمان در اصل یک جنبش صهیون‌گرای کوچ‌نشین است، که در آغاز دوره پس از جنگ اکتبر ۱۹۷۳.م به وجود آمد. پیدایش این سازمان، نتیجه جنبش‌های اعتراض آمیز فراوانی بود که در آن هنگام علیه نتایج آن جنگ ایجاد شده بود.

اعضای این سازمان، از همان هنگام تأسیس تاکنون، به منظور بیرون راندن عرب‌ها از مناطق اشغال شده و جایگزینی کوچ‌نشین‌های یهودی به جای آن‌ها، به ارعاب ساکنان عرب می‌پردازند. افراد این سازمان، که ده‌ها سال تجربه فعالیت تروریستی دارند، بنا به گفته دان عومر تبدیل به ذخیره‌ی انسانی فاشیسم جدید در اسرائیل، و رویشگاه ایدئولوژیک مجموعه‌ای از سازمان‌های تروریستی یهودی شده‌اند.

سازمان گوش‌آمونیم، از نظر تشکیلاتی، دارای دبیرخانه منتخب و دائمی نیست؛ بلکه همواره از یک دبیرخانه موقت برخوردار می‌باشد.

افراد سازمان «گوش‌آمونیم»، که ده‌ها سال تجربه فعالیت تروریستی دارند، بنا به گفته دان عومر تبدیل به ذخیره‌ی انسانی فاشیسم جدید در اسرائیل، و رویشگاه ایدئولوژیک مجموعه‌ای از سازمان‌های تروریستی یهودی شده‌اند.

این امر بیانگر صفتی است که اعضایش بدین سازمان داده‌اند: «جنبشی است خودکفا، بدون کارت عضویت، و بدون سازمان‌های تابعه.»

گوش‌آمونیم، از هنگام تأسیس تاکنون، هم از نظر مذهبی و هم از نظر سیاست رسمی رژیم صهیونیستی، چهره‌های برجسته‌ای از خاخام‌های صهیون‌گرا را در برگرفته است. در رأس این افراد، رهبر معنوی گوش‌آمونیم، خاخام «تسوی یهودا کوک» قرار دارد، که اشکنازی تبار است.

پدر وی بنیادگذار مدرسه دینی مرکاز هراف در سال ۱۹۲۴.م است. این مدرسه در سال‌های اخیر، به یکی از مراکز بسیار افراطی و نژادپرستانه دینی، تبدیل شده است. خاخام کوک، فقط ایدئولوگ عقیده و اصول افراطی گوش‌آمونیم نیست؛ بلکه ایدئولوگ دیگر سازمان‌های تروریستی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، که بعدها از گوش‌آمونیم جدا شدند نیز هست.

از برجسته‌ترین شاگردان کوک، خاخام موشه لیفنجر است، که به داشتن تعصب نژادگرایانه ضدعربی مشهور است. وی فرمانده صهیونیست‌های شهرک‌نشین در شهر خلیل را به عهده داشت. و نیز خاخام حییم دروکمان، که پرچمدار جناح راست‌گرا در حزب مفدال است. همچنین، دیگر بلندپایگان متعصب مذهبی یهودی در فلسطین اشغال شده نیز از این دسته هستند، که بعدها نماینده کنیست حنان بورات به آن‌ها پیوست. وی فارغ‌التحصیل مدرسه مرکاز هراف است. گوش‌آمونیم، به متدیّنان پیرو کوک محدود نمی‌شود؛ بلکه بعدها عناصر غیرمتدینی از پیروان حزب سرزمین کامل اسرائیل به آن پیوستند.

در آغاز، پیوند گوش‌آمونیم با دستگاه رسمی رژیم صهیونیستی، زیر پوشش جناح حزب دینی مفدال بود. لیکن در سال ۱۹۷۴.م، به دستور خاخام کوک، گوش‌آمونیم از مفدال جدا شد. وی راجع‌به جدا شدن گوش‌آمونیم از مفدال، به شاگردانش گفت:«از هم‌اکنون گوش‌آمونیم جزیی از مفدال نیست، بلکه فقط گوش‌آمونیم است!»

اما این جدایی، گروه گوش‌آمونیم را از پشتوانه دولتی محروم نکرد؛ بسیاری از دولتمردان بلندپایه رژیم صهیونیستی، به پشتیبانی و حمایت از آن ادامه دادند. آن چه که این دیدگاه را ثابت می‌کند، آن است که اغلب بودجه، گوش‌آمونیم از کمک‌های مالی مستقیم و غیرمستقیم دولت تأمین می‌شود، و ده‌ها فرد فعال در گوش‌آمونیم دارای حقوق دولتی هستند.

افزون بر منابع دولتی، منابع کمکی دیگری نظیر کارفرمایان صنایع، و بانک‌داران ثروتمند، درون و برون فلسطین اشغال شده، به این گروه کمک مالی می‌کنند. شاید مهم‌ترین وجه مشخص سازمان گوش‌آمونیم، برنامه گسترده احداث شهرک‌های مهاجرنشین یهودی آن است، که بخشی از آن را به اجرا درآورده، و می‌کوشد تا برنامه‌های وسیع‌تری را به اجرا درآورد. عملیات کوچ‌نشینی این سازمان، از همان هنگام تأسیس آن در سال ۱۹۷۶.م، به طرز گسترده‌ای در مناطق اشغال شده فعال بوده است. نخستین مجتمع کوچ‌نشینی که توسط گوش ایجاد شد و جنجال مطبوعاتی نیز به پا کرد، آبادی یهودی‌نشین آلون موریه بود. گوش در اجرای برنامه‌های خود در خصوص اسکان یهودیان در شهرک‌های یهودی‌نشین، از شیوه‌ی نمایش‌های بزرگ خیابانی، به میزان فراوانی بهره می‌جوید.

همچنین، این گروه از تجاوزهای هراس‌افکنانه و اقدامات تروریستی علیه شهروندان عرب فلسطینی، بیمی به خود راه نمی‌دهد.»

شاید مهم‌ترین وجه مشخص سازمان گوش‌آمونیم، برنامه گسترده احداث شهرک‌های مهاجرنشین یهودی آن است، که بخشی از آن را به اجرا درآورده، و می‌کوشد تا برنامه‌های وسیع‌تری را به اجرا درآورد. عملیات کوچ‌نشینی این سازمان، از همان هنگام تأسیس آن در سال ۱۹۷۶.م، به طرز گسترده‌ای در مناطق اشغال شده فعال بوده است.

صفحه پاورقی
روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود
تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

کارت هوشمند به شماره ۳۱۶۱۱۵۳ مربوط به خودرو کامیون باری ایسوزو به شماره انتظامی ۵۹۲ ع ۳۹ ایران ۴۸ مدل ۹۵ رنگ سفید شماره موتور ۵۳۷۳۴۱ شماره شاسی NAGNLR ۷۵TGT۰۰۲۰۷۶ به مالکیت عباس بحرینی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای احمد ربانی دارای شناسنامه شماره ۴۰۳ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۶/۳۶۸ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان علی‌اصغر نیکو به شناسنامه ۳۷۰ در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۱۷ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- فاطمه ذاکر، فرزند ذبیح‌اله، کدملی ۰۷۹۲۹۵۸۵۰۰، همسر مرحوم. ۲- محمد نیکو فرزند قاسم، کدملی ۰۷۹۲۷۴۶۱۲۰، پدر مرحوم. ۳- خانم فاطمه غضنفری، فرزند موسی، کدملی ۰۷۹۴۸۴۳۴۴۱، مادر مرحوم. ۴- مریم نیکو فرزند علی‌اصغر، کدملی ۰۷۹۵۳۰۸۸۴۱، فرزند مرحوم. ۵- مهری نیکو، فرزند علی‌اصغر، کدملی ۰۷۸۰۳۹۹۶۵۱، فرزند مرحوم. ۶- مهدیه نیکو، فرزند علی‌اصغر، کدملی ۰۷۸۱۲۲۹۲۰۰، فرزند مرحوم. ۷- محسن نیکو، فرزند علی‌اصغر، کدملی ۰۷۸۰۱۸۴۶۱۰، فرزند مرحوم. ۸- میثم نیکو، فرزند علی‌اصغر، کدملی ۰۷۹۵۳۰۹۰۷۴، فرزند مرحوم.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امورحسبی یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.
رئیس شعبه ۱۲ شورای حل اختلاف شهرستان سبزوار

آگهی تحریر ترکه

پرونده کلاسه ۹۶۰۲۰۶ این شعبه با توجه به فوت مرحوم ولی‌اله قره‌بابایی فرزند حسین به شماره شناسنامه ۷۰۹ صادره از بوئین‌زهرا متولد بوئین‌زهرا بوده توسط صفر قره‌بابایی خواست تحریر ترکه شده و قرار تحریر ترکه صادر گردیده است و برای تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲۹ راس ساعت ۱۲ نوبت تحریر ترکه تعیین گردیده لذا بدین وسیله به تمامی ورثه متوفای یاد شده یا نمایندگان قانونی آنها، بستانکاران از متوفی و مدیونین به وی و هرکس که به هر طریق، حقی بر ترکه متوفی دارد ابلاغ می‌شود در ساعت و تاریخ یاد شده در شعبه خانواده شورای حل اختلاف بوئین‌زهرا واقع در بوئین‌زهرا خیابان ولی‌عصر غربی پشت اداره آب و فاضلاب بن‌بست کانون مجتمع شورای حل اختلاف بوئین‌زهرا جهت شرکت در عملیات تحریر ترکه حاضر شوند.
مدیر دفتر شعبه خانواده شورای حل اختلاف بوئین‌زهرا - بابایی

آگهی ابلاغ اجرائیه

بدینوسیله به اطلاع خانم سکینه غفوریان ذاکری به شماره شناسنامه ۱۲۵ صادره شوشتر فرزند احمد به آدرس بهبهان فلکه شهرک صنعتی خیابان رسول اکرم کوچه ششم فعلا مجهول‌المکان رسانیده می‌شود که بانک ملت شعبه پیروزی بهبهان باستناد به سند رهنی شماره ۹۲/۷/۱۳-۹۶۷۷۳ دفترخانه ۳۷ بهبهان تقاضای صدور اجرائیه به مبلغ ۳۰۷۰۰۰۰۰۰ ریال بابت اصل بدهی و مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰ ریال بابت حق‌الوکاله و مبلغ ۵۳۶۰۰۰۰۰ ریال بابت خسارت تاخیر تادیه که تا تاریخ ۹۵/۹/۱۴ محاسبه گردیده و روزانه مبلغ ۲۴۶۰۰۰ ریال جریمه روزانه به آن اضافه می‌گردد علیه شما به عنوان بدهکار و راهن نموده چون آدرس متن سند موافق با واقع نبوده لذا حسب درخواست بانک بستانکار مراتب جهت اطلاع شما و برابر ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء برای یک نوبت در روزنامه منتشر و پس از سپری شدن ده روز از تاریخ انتشار اجرائیه ابلاغ شده محسوب و عملیات اجرائی علیه شما شروع خواهد شد.
کاظمی- رئیس ثبت بهبهان
۸/۵۱۴ م/الف

آگهی ابلاغ اجرائیه

بدینوسیله به اطلاع آقای ایوب چابکی به شماره شناسنامه ۱۸۵۰۱۶۶۰۷۲ صادره بهبهان فرزند یداله و خانم سکینه غفوریان ذاکری به شماره شناسنامه ۱۲۵ صادره بهبهان فرزند احمد ساکنین بهبهان فلکه شهرک صنعتی خیابان رسول اکرم(ص) کوچه ششم فعلا مجهول‌المکان رسانیده می‌شود که بانک ملت شعبه پیروزی بهبهان باستناد به سند رهنی شماره ۱۰۰۹۱۲- ۹۳/۶/۱۰ دفترخانه ۳۷ بهبهان تقاضای صدور اجرائیه به مبلغ ۵۸۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل بدهی و مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت حق‌الوکاله و مبلغ ۶۶/۳۰۰/۰۰۰ ریال بابت خسارت تاخیر تادیه که تا تاریخ ۹۵/۹/۱۴ محاسبه گردیده و روزانه مبلغ ۳۵۱۰۰۰ ریال جریمه روزانه به آن اضافه می‌گردد علیه شما بعنوان بدهکار و راهن نموده چون آدرس متن سند موافق با واقع نبوده لذا حسب درخواست بانک بستانکار مراتب جهت اطلاع شما و برابر ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء برای یک نوبت در روزنامه منتشر و پس از سپری شدن ده روز از تاریخ انتشار اجرائیه ابلاغ شده محسوب و عملیات اجرایی علیه شما شروع خواهد شد.
کاظمی- رئیس ثبت بهبهان
۸۸/۵۱۳م/الف

آگهی مزایده مال غیرمنقول - نوبت اول

درخصوص پرونده ۹۶۰۹۷۴ شعبه دوم اجرای احکام (حقوقی) سنندج مبنی بر محکومیت خبات رضایی و در حق سعید رزاقی، مال/اموال منقول به شرح ذیل توقیف و کارشناسی شده است. لذا مزایده نوبت اول در مورخ ۹۶/۰۹/۰۵ از ساعت ۹ الی ۱۰ صبح در مجتمع قضایی شهید بهشتی سنندج دفتر اجرای احکام حقوقی با حضور نماینده دادسرای عمومی و دادورز شعبه (با قیمت شروع به میزان مبلغ کارشناسی) به مزایده گذاشته می‌شود. طالبین می‌توانند پنج روز قبل از روز مزایده با کسب مجوز از اجرای احکام حقوقی از مال مورد مزایده بازدید به عمل آورند و پیشنهاد خود را کتبا روز مزایده تسلیم نمایند. برنده مزایده کسی خواهد بود که بالاترین قیمت را روز برگزاری مزایده بپردازد و فی‌المجلس مبلغ ۱۰٪ قیمت پیشنهادی را به حساب سپرده دادگستری واریز نماید و حداکثر ظرف یک ماه آینده ترتیب پرداخت مابقی قیمت را بدهد. اموال کارشناسی شده بدین شرح می‌باشد:

نام کالا و مشخصات	تعداد	قیمت هر واحد به ریال	قیمت کل به ریال
فرش ماشینی ۷۰۰ شانه ۱۲ متری- ۵ ستاره غزل و ابریشم	۳۸ تخته	۱۰/۵۰۰/۰۰۰	۳۹۹/۰۰۰/۰۰۰
فرش ماشینی ۷۰۰ شانه ۹ متری - پالیزان - فیروزه - ابریشم	۱۶ تخته	۷۵/۰۰۰/۰۰۰	۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰
فرش ماشینی ۷۰۰ شانه ۶ متری - پالیزان - ابریشم	۶ تخته	۵/۲۵۰/۰۰۰	۳۱/۵۰۰/۰۰۰
پادری فرش ۹۰ سانتی	۱۷۰تخته	۲۵۰/۰۰۰	۴۲/۵۰۰/۰۰۰
پادری جلوپا	۱۵۰ تخته	۷۰/۰۰۰	۱۰/۵۰۰/۰۰۰
پشتی فرشی فوم آماده	۴۰ تخته	۴۰۰/۰۰۰	۱۶/۰۰۰/۰۰۰
هزینه حمل‌ونقل و باربری	۱ فقره	۳/۵۰۰/۰۰۰	۳/۵۰۰/۰۰۰
جمع کل به ریال	۷ قلم		۶۲۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال

توضیح: کلیه فرش‌ها و سایر اقلام نو و آکبند می‌باشند. قیمت‌ها براساس قیمت عمده و روز بازار می‌باشد.
جمع کل قیمت ۷ قلم کالا و خدمات با توجه به جمیع شرایط به مبلغ ۶۲۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل شصت‌ودو میلیون و سیصد هزار تومان ارزیابی و قیمت‌گذاری گردید.
جمال مرادی - دادورز شعبه دوم
اجرای احکام مدنی دادگستری سنندج

اجرائیه

مشخصات محکوم له/ محکوم لهم: محمد ملاعلی محمدی نام پدر: صفرعلی نشانی: قزوین- بوئین‌زهرا- خ ولیعصر کفش فروشی محمدی
مشخصات محکوم علیه/ محکوم علیهم: هیرش خضری نام پدر: محمد نشانی: قزوین- بوئین‌زهرا- خ پاسداران جنب مسجد
محکوم به: بموجب درخواست اجرای حکم مربوطه به شماره ۹۶۱۰۰۹۲۸۹۰۰۰۰۱۷۱ و شماره دادنامه مربوطه ۹۶۰۹۹۷۲۸۹۰۰۰۰۱۰۶ محکوم‌علیه محکوم است به پرداخت مبلغ ۱۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان اجور معوقه و نیز پرداخت مبلغ ۴۱۵/۰۰۰ ریال به عنوان هزینه دادرسی وصول و ایصال در حق خواهان و نیم عشر دولتی در حق صندوق دولت کارسازی شود.
متصدی امور دفتری دادگاه شعبه اول شورای حل اختلاف شهری بوئین‌زهرا استان قزوین- رؤیا کاشی
محکوم علیه مکلف است از تاریخ ابلاغ اجرائیه:
۱- ظرف ده روز مفاد آنرا به موقع اجرا گذارد (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی). ۲- ترتیبی برای پرداخت محکوم به بدهد. ۳- مالی معرفی کند که اجرا حکم و استیفا محکوم به از آن میسر باشد. چنانچه خود را قادر به اجرای مفاد اجراییه نداند باید ظرف سی روز کلیه اموال خود را شامل تعداد یا مقدار و قیمت همه اموال منقول و غیرمنقول، به طور مشروح مشتمل بر میزان وجوه نقدی که به هر عنوان نزد بانکها و موسسات مالی و اعتباری ایرانی یا خارجی دارد به همراه مشخصات دقیق حساب‌های مذکور و کلیه اموالی که او به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از طرح دعوای اعسار به ضمیمه دادخواست اعسار به مقام قضائی ارائه نماید والا به درخواست محکوم‌له بازداشت می‌شود (مواد ۸ و ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴). ۴- خودداری محکوم علیه از اعلام کامل صورت اموال به منظور فرار از اجرای حکم، حبس تعزیری درجه هفت را در پی دارد. (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۲۰ ق.م.ا و ماده ۱۶ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴). ۵- انتقال مال به دیگری به هر نحو با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد موجب مجازات تعزیری درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم‌به یا هر دو مجازات می‌شود. (ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴). ۶- چنانچه صورت اموال پس از مهلت سی روز ارائه شود آزادی محکوم‌علیه از زندان منوط به موافقت محکوم‌له یا تودیع وثیقه یا معرفی کفیل توسط محکوم علیه خواهد بود. (تبصره۱ ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴)

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای رضا فقیه‌لو دارای شناسنامه شماره ۵۳۸۹۲۲۶۳۱۳ به شرح دادخواست به کلاسه یک سیار از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان غلامرضا فقیه‌لو به شناسنامه ۷ در تاریخ ۹۵/۶/۳۰ اقامتگاه دائمی خود در آوج بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱- رهبر فقیه‌لو فرزند غلامرضا به شماره شناسنامه ۲۳۷۹ متولد ۱۳۶۱ (پسر متوفی)
۲- فرح فقیه‌لو فرزند غلامرضا به شماره شناسنامه ۱۸۲۱ متولد ۱۳۵۳ (دختر متوفی)
۳- اکبر فقیه‌لو فرزند غلامرضا به شماره ملی ۵۳۸۹۲۳۴۶۷۷ متولد ۱۳۵۷ (پسر متوفی)
۴- محمد فقیه‌لو فرزند غلامرضا به شماره شناسنامه ۵۳۸۰۰۰۹۰۵۰ متولد ۱۳۷۰ (پسر متوفی)
۵- صفر فقیه‌لو فرزند غلامرضا به شماره شناسنامه ۲۲۰۴ متولد ۱۳۵۵ (پسر متوفی)
۶- توران فقیه‌لو فرزند غلامرضا به شماره شناسنامه ۱۸۷۸ متولد ۱۳۵۱ (دختر متوفی)
۷- اصغر فقیه‌لو فرزند غلامرضا به شماره شناسنامه ۲۲۰۳ متولد ۱۳۵۴ (دختر متوفی)
۸- ایران فقیه‌لو فرزند غلامرضا به شماره شناسنامه ۱۸۲۰ متولد ۱۳۵۱ (دختر متوفی)
۹- آسیه قلعه‌وند فرزند محمود به شماره شناسنامه ۶۸۸۲ متولد ۱۳۵۸ همسر متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراض دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد در غیر این صورت گواهی صادر خواهد شد.
صمدی- قاضی شورای حل اختلاف آوج

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۸۵۱۶۵۰۰۴۳۷ حوزه شماره ۱۱۵ شورای حل اختلاف شهرستان ملایر تصمیم نهایی شماره ۹۶۰۹۹۷۸۵۱۶۵۰۰۶۹۵
خواهان: آقای علی بابائی‌فرد فرزند شیرولی به نشانی ملایر بازار - بازار رضا سرای مهدی پتوفروشی آقای بابائی‌فرد خواندة: آقای محمد شمشیریان فرزند علی به نشانی خواسته‌ها: ۱. مطالبه خسارات دادرسی ۲.مطالبه وجه چک ۳. مطالبه خسارت تاخیر تادیه
گردشکار: خواهان دادخواستی بخواسته فوق بطرفیت خوانده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت مقرر دادگاه به تصدی امضاء کننده زیر تشکیل شده و با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می‌نماید.
(رای شورا)
در خصوص دادخواست خواهان علی بابائی فرد فرزند شیرولی بطرفیت خوانده بالا تقدیم داشته محمد شمشیریان فرزند علی بخواسته مطالبه وجه به میزان هفده میلیون تومان به انضمام خسارت تأخیر تأدیه و هزینه دادرسی مستندا به یک فقره چک بلامحل بشماره ۹۶/۶/۱۲-۷۴۱۲۰۹ و گواهی عدم پرداخت و بشرح مندرج در پرونده که خواهان در دادخواست خود اشعار داشته‌اند که وجه چک مستند دعوی را از خوانده طلب داشته و جهت وصول آن به بانک محال علیه مراجعه و با صدور گواهی عدم پرداخت مواجه گردیده است، لذا شورا با بررسی محتویات پرونده و بلحاظ مستند ابرازی خواهان که رونوشت چک و گواهی عدم پرداخت مربوط است که دلالت بر اشتغال ذمه خوانده نسبت به خواهان و به میزان خواسته را می‌نماید و نظر به اینکه مستند ابرازی خواهان فاقد هرگونه اشکال و ایراد شکلی و ماهوی است و وجود سند تجاری در ید دارنده آن ظهور بر اشتغال ذمه صادرکننده آن را می‌نماید و اخطاریه خوانده طبق ماده ۷۳ ابلاغ شده است نهایتا با توجه به اینکه دعوی ابرازی خواهان از هرگونه دفاع و تعرض از سوی خوانده مصون